

واکاوی تفسیر آیه «اصلحوا ذاتبینکم» در قرآن

و راهکارهای تحقق آن در جامعه

منتظر آذری فر^۱، صمد اسمی قیه باشی^۲، نشمینه عزیزی^۳

^۱ کارشناسی ارشد تفسیر قرآن ، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه.

^۲ استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه.

^۳ کارشناسی الهیات، دانشگاه شهید رجایی.

نام نویسنده مسئول:

منتظر آذری فر

چکیده

صلح و آشتی و برقراری صلح پایدار در میان جامعه از نظر قرآن کریم و روایات از اهمیت والایی برخوردار است. بر اساس تمایلات نفسانی و غریزی و منافع شخصی که افراد در جامعه دارند، اموری مانند: کتمان حقایق، عدم وصیت میت، سخن چینی میان مردم، تجسس در امور مردم ، تمسخر کردن و غیب، نسبت دادن القاب زشت به همدیگر و تعدی و تجاوز در حق دیگران، از مهم ترین عوامل نزاع و اختلاف و فساد روابط در میان مردم بیان شده است، اما با مراجعه به کلام الهی و بررسی آیات قرآن کریم، اموری همچون: ایمان و باور قلبی نسبت به خداوند، اطاعت از فرامین رهبر جامعه ی اسلامی، توبه و پرهیزکاری، برقراری پیمان اخوت و برادری، شفاف سازی حقایق، گفتمان سازی عدالت در جامعه، گفتمان سازی امور معروف و در نهایت برخورد قاطع با متخاصم در جامعه از راهکارهای اساسی قرآن کریم در اصلاح روابط میان جامعه بیان شده است.

کلیدواژه ها: صلح، اصلاح روابط، ذات بینکم، اخوت، عدالت.

اهمیت و ضرورت بحث

ییشینه پژوهش

سید حسین هاشمی، (۱۳۸۹) «رابطه تعلیم و تربیت از منظر قرآن» را مورد واکاوی قرار داده است. این پژوهش نسبت تعلیم و تربیت از منظر قرآن کریم، تبیین واژگان تعلیمی و تربیتی در قرآن و دیدگاه‌های کلی درباره نسبت تعلیم و تربیت، را مورد بررسی قرار داده است. بیوست‌ها و گسست‌های تعلیم و تربیت در ساحت‌های مفهوم، روش‌ها، اسباب، عوامل و فرآیندهای تعلیم و تربیت از محورهای اصلی و کلیدی

این پژوهش به شمار می‌رود. پژوهشگر در پایان، تعلیم و تربیت در قرآن را دو مفهوم متمایز از یکدیگر که در بسیاری عرصه‌ها جدا از هم هستند، و در پاره‌ای موارد نیز پیوست و هم‌نشینی باهم دارند، معرفی می‌کند.

صمدی و رضایی، (۱۳۹۰)، «نقش تربیتی خانواده را در نظام دینی» مورد سنجش قرار داده است. هدف این پژوهش، بررسی نقش خانواده در تربیت را مدنظر قرار داده است. این پژوهش از نوع کیفی و داده‌های اسنادی با روش تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. بررسی‌ها در حوزه دین و علم حاکی است که هم حکومت اسلامی و هم صاحب‌نظران حوزه‌های علمی از جمله روانشناسان و جامعه‌شناسان و روانشناسان اجتماعی، تداوم نقش تربیتی خانواده را در نظام تربیت رسمی و عمومی مطرح و ضروری دانسته‌اند.

فقیهی مقدس، خلجی و مهدوی راد، (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی «صلح در اسلام» پرداخته است. دغدغه‌ی اصلی این پژوهش آن است، که راهبردهای کلانی در آموزه‌های اسلام چگونه می‌توانند باعث ایجاد صلح و آرامش شوند. در این پژوهش که به روش تحلیل محتوا به بررسی واژه‌ی صلح، راهبرد و ویژگی‌های اندیشه صلح‌طلبی در اسلام و اصول راهبردی صلح پرداخته است، و به این نتیجه رسیده است که اسلام در تبیین نحوه تعامل افراد و انسان‌ها، صلح و ثبات را محور قرار داده است، و ضمن دعوت پیروان خود به آرامش و سلم، می‌کوشد تا با واقع‌نگری و همه‌جانبه‌نگری، راهکارها و دستورالعمل‌های مؤثری در بسط صلح ارائه نماید.

علی رنجبر، (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان: بررسی مبانی نظری اصلاح ذات‌البین از منظر اسلام نوشته و در این پژوهش به بررسی کلمه‌ی اصلاح ذات‌البین جایگاه آن، هم‌چنین آثاری که اصلاح ذات‌البین در رفع اختلافات خانوادگی دارد می‌پردازد. از جمله نتایج به دست آمده در این تحقیق عبارت است از: شناخت و تقویت باورهای دینی و خردگرایی سبب پذیرش صلح حقیقی و پایدار و انجام اصلاح ذات‌البین آگاهانه، خالصانه و داوطلبانه می‌باشد. بهترین روش اصلاح ذات‌البین، روش‌های قرآنی و اخلاقی برگرفته از سیره‌ی معصومی (ع) است از جمله: موعظه، عفو و صفح، احسان، پذیرش داور، جدال احسن و... است.

عباس رهبری و مؤده اردلانی (۱۳۹۵) به پژوهش «اصلاح ذات‌البین از دیدگاه قرآن و حدیث» را مورد مطالعه قرار داده است. در این پژوهش به معنی واژه اصلاح ذات‌البین پرداخته و پس از آن دیدگاه قرآن و همچنین به احادیثی از رسول مکرم اسلام پرداخته شده است و راه‌های گوناگون اصلاح ذات‌البین در جامعه بر پایه آیات و احادیث بیان شده است. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی تدوین گردیده است، و پاره‌ای از دستورات را مخصوصاً در مورد اصلاح ذات‌البین در جامعه اسلامی ذکر می‌نماید.

تفاوت این پژوهش با سایر پژوهش‌های صورت گرفته در این است که بیشتر پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است، به بررسی اصلاح روابط، اصلاح و صلح، آشتی بین مؤمنان و مواردی از این قبیل پرداخته‌اند، اما این پژوهش درصدد است براساس آیات قرآن و روایات اهم مسائلی که موجب اختلال روابط و یا به تعبیری افساد روابط در میان خانواده و جامعه گشته آن‌ها را کشف نموده و رهنمود و راهکارهای اصلاح آن را تبیین نماید.

مفهوم‌شناسی واژگان

عبارت قرآنی «أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» از سه کلمه‌ی اصلاح، ذات و بینکم تشکیل شده است که در این بخش به معنای این واژگان پرداخته خواهد شد.

مفهوم‌شناسی «صلح»

کلمه «صلح» با مشتقات آن ۱۸۰ مرتبه در قرآن به کار رفته است. و این نشان از اهمیت جایگاه صلح در قرآن کریم است. اصلاح به معنی صلح و نقطه مقابل فساد و تباهی است، و به معنی از بین بردن نفرت و کینه در میان مردم است. بیشترین موارد کاربرد واژه «اصلاح» در قرآن را درباره رابطه انسان با دیگران و بهبود این روابط متقابل دانسته‌اند (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۴۸۹). مهم‌ترین گونه‌های مختلف اصلاح روابط در قرآن می‌توان به ۴ مورد از آن‌ها اشاره کرد: ۱- اصلاح فردی؛ ۲- اصلاح میان دو فرد (اصلاح ذات‌البین)؛ ۳- اصلاح در محیط خانواده؛ ۴- اصلاح در محیط جامعه (رنجبر، ۱۳۹۱، ص ۱۳).

مفهوم‌شناسی «ذات»

"ذات" مؤنث ذو به معنی عین هر چیز و نفس آن است و در قرآن ۳۰ بار به کار رفته است،

کلمه "ذات" در اصل مؤنث "ذا" به معنای صاحب و از الفاظی است که همیشه باید اضافه شود، چیزی که هست بسیار استعمال شده است در "نفس هر چیز" یعنی در آن چیزی که حقیقت هر شیء با آن محفوظ است، مثلاً وقتی می‌گویند: "ذات انسان" معنایش آن چیزی است که انسان به وسیله آن انسان است، و "ذات زید" به معنای نفس انسانیت خاصه‌ای است که به اسم "زید" مسمی شده. و بعید نیست که اصل در این لغت "نفس ذات اعمال کذا: نفس صاحب فلان اعمال" بوده باشد، و سپس به منظور اختصار گفته باشند "ذات اعمال: صاحب کارها" و یا تعبیر دیگری که این معنا را برساند، و به تدریج اعمال را هم انداخته و تنها گفته‌اند: "ذات". راغب در مفردات می‌گوید: "ذو" بر دو وجه است یکی آن است که به توسط آن چیزی را که بخواهیم به اسم جنس و اسم نوع وصف می‌کنیم. و در این صورت تنها به اسم ظاهر اضافه می‌گردد، و به صیغه تشبیه و جمع نیز در می‌آید، مثلاً در تشبیه گفته می‌شود: "ذواتا" و در جمع: "ذوات" و به هیچ وجه در هیچ صورت جز به اضافه استعمال نمی‌شود.

سپس اضافه کرده است: علمای معانی این کلمه را استعاره گرفته و عبارت دانسته‌اند از عین هر چیز، چه اینکه جوهر باشد و یا عرض، (و بر خلاف آنچه که گفتیم) آن را مفرد و مضاف به ضمیر و با الف و لام استعمال نموده و عیناً معامله لفظ نفس و خاصه را با آن کرده و گفته‌اند: "ذاته، نفسه و خاصته" لیکن باید دانست که این نحوه استعمال از کلام عرب نیست.

وجه دوم از لفظ "ذو" لغت قبيله "طی" است که آن را عیناً بجای "الذی" بکار برده و در حالت رفع و نصب و جر و همچنین در حالت جمع و تانیث به یک لفظ استعمال می‌کنند هم چنان که شاعر گوید: "و بئری ذو حفرت و ذو طوبیت" یعنی "و چاه من آن چاهی که حفر کردم، و آن چاهی که سنگ چین کردم". (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۳۳۳) و اینکه گفت در این صورت تنها به اسم ظاهر اضافه می‌شود از "فراء" نقل شده است و لازمه‌اش این است که اگر دیدیم مضاف به ضمیر استعمال شده بگوییم: "این نحوه استعمال از کلام مولدین است" و انصاف بر این است که این نحوه استعمال کم است نه اینکه به کلی متروک شده باشد، به شهادت اینکه در کلمات امیرالمؤمنین (ع) در بعضی از خطبه‌های نهج‌البلاغه دیده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵/۹)

مفهوم شناسی «بین»

واژه «بین» با مشتقاتش ۵۲۳ بار در قرآن کریم به کار رفته است به عنوان یکی از قیودی که به خاطر بسامد بالای آن در زبان عربی و به ویژه در قرآن کریم از اهمیت بارزی در نحو زبان عربی دارد.

کلمه «بین» در جاهای مختلف قرآن مورد اشاره قرار گرفته و در هر آیه معنی و محتوای مختلفی دارد. در برخی از آیات نیز حالت تضاد میان معانی وجود دارد، برای مثال کلمه «بین» سوره کهف آیه ۷۸ «هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَ بَيْنِكَ» به معنی وصل به کار می‌رود، و در جای دیگر به معنای دوری و اضرار به کار رفته است (گلی ملک آبادی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۱). اهل لغت در مورد این کلمه معتقدند که کلمه «بین» در جایی به کار می‌رود، که مضاف الیه آن در معنی بر چیزی بیشتر از یک فرد دلالت کند، تا از فاصله میان آن‌ها خبر دهد، حال آن که چند چیز در یک کلمه بیان شود، و یا در بیشتر از یک کلمه باشد با واو عطف جدا می‌شود (هوشیار، ۱۳۷۹، ص ۸).

مراد از عبارت «ذات بینکم»

در عبارت "ذات بین" که به معنای آن حالت و رابطه بدی است که در میان دو فرد، گروه و یا فرقه پدید می‌آید، چون دشمنی و خصومت همیشه بین دو طرف واقع می‌شود، پس این دشمنی "صاحب بین" است که عبارت دیگر آن "ذات بین" می‌شود، پس منظور از جمله "و أَصْلَحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ" این است که آن حالت بد و آن فساد که در بینتان رخ نموده و آن تیرگی رابطه را اصلاح کنید. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/۹)

به نظر می‌رسد ترکیب دو واژه «ذات» و «بین» براساس معنایی که بر آن‌ها بیان شد. بیان روابطی است که گویا صاحب میان افراد و مردم در جامعه شده و رسوخ نموده است و یا این که آن روابط تبدیل به یک رسوم، سنت و یا فرهنگ میان مردم گشته است و به راحتی نیز قابل اصلاح نیست.

شان نزول آیه

آنچه که سیوطی و دیگران نقل کرده‌اند، سوره انفال و آیات آن درباره جنگ بدر و بعد از آن نازل شده است و آیات آغازین سوره پیرامون غنایم جنگی بحث کرده است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۱۵۸/۳)، سیاق آیات و بحث تاریخی نیز تایید می‌کند که پیرامون جنگ بدر نازل شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۷/۹)

در میان اعراب رسم بوده است، سه چهارم غنائیم جنگی به تساوی میان جنگجویان تقسیم می‌شد. ربع غنائیم (مربع، یک چهارم) و نیز نشیطة (آنچه در مسیر و قبل از رسیدن به محل جنگ نصیب لشکر می‌شد)، صَفیه (آنچه مورد توجه و پسند فرمانده واقع می‌شد) و فضول (مازاد غنائیم پس از تقسیم) سهم فرمانده بود. (ابوتمام، ۱۳۷۷، ۲۹۰/۱). بنابراین بر اساس همین رسم غلط و فرهنگ جاهلی بعد از پیروزی مسلمانان در جنگ، درباره غنائیم جنگی میان برخی از مسلمانان نزاع و مشاجره شده که تقسیم غنائیم چگونه صورت گیرد و این آیات نازل شد و حکم آن را بیان نمود. بنابراین بر اساس همین رسم عرب قرآن کریم از آن تعبیر به «ذات بینکم» نموده است.

درست است که شأن نزول درباره نحوه تقسیم غنائیم و حل نزاع میان جنگجویان را مطرح می‌نماید. اما بیانگر یک قانون کلی، یک حکم وسیع اسلامی را نیز بیان می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۸۰/۷)

علامه طباطبایی نیز تصریح نموده است که هر چند درباره غنائیم جنگی نازل شده است اما مورد مخصص نیست، پس اطلاق آیه نسبت به هر درآمدی که آن را انفال بگویند محفوظ است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۷/۹)

بنابراین بر اساس توضیحات و شأن نزول آیه می‌توان نتیجه گرفت نه تنها درباره نحوه تقسیم غنائیم جنگی که میان مسلمان نزاع و کمکش به وجود آمد و موجب تیره شدن روابط گردید در امور دیگر نیز ممکن است این مشاجره و نزاع میان قبایل و طوایف و گروه مسلمانان باشد و باید این گونه روابط اصلاح گردد. اما سؤال این است، چه روابطی موجب مشاجره و اختلاف و تیره شده روابط میان افراد جامعه می‌گردد و بایستی مورد اصلاح قرار گیرد که لازم است، مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهای اجرایی آن در جامعه بیان شود که در ادامه پژوهش براساس آیات قرآن بدان خواهیم پرداخت.

راهکاری اجرایی شدن «اصلحوا ذات بینکم» در جامعه

قرآن کریم در بستر زمانی و مکانی، به منظور هدایت و راهبری مردم و نجات آنان از گمراهی‌ها و ضلالت‌ها و نمایاندن راه درست، نازل شد (فاضلی، ۱۳۸۴، ص ۱). اصلاح و نشان راه صحیح به افراد در نزد قرآن و اسلام جایگاه والایی دارد که آیات قرآن بیانگر اهمیت این موضوع است. آیاتی زیادی در اصلاح روابط مردم نازل شده است که هر کدام در ارتباط با موضوع خاصی نازل شده است، به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد. برخی از مفسران در تفسیر آیه ۱۱۴ سوره نساء با استناد به روایتی از امام صادق (ع) ایجاد خوش‌بینی و الفت میان مردم را با گفتن سخن دروغ در صورتی که مصلحت اصلاح بیش از منفعت راست‌گویی باشد، جایز می‌دانند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۴۱). در آیه ۹ سوره حجرات از اصلاح ذات بین برای حفظ و اصلاح جامعه اسلامی و حمایت از جان، مال و ناموس مسلمانان و عدم هتک حرمت اشخاص دستوراتی ارائه داده است. ایجاد صلح و سازش میان دو گروه مؤمن متخاصم، مبارزه با گروه یاغی و اصلاح ذات بین بر اساس معیارهای عادلانه از این دستورات است.

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «أیما مسلمین تهاجرا فمکثا ثلاثا لا یصلحان إلا کانا خارجین من الإسلام و لم یکن بینهما ولایة» (کافی، ۳۴۵/۱۴۰۷، ۲)

دو مسلمان اگر بیش از سه روز با یکدیگر قهر باشند، از حوزه اسلام خارج شده و رشته ولایت و پیوند دینی از بین آنان برداشته می‌شود.

در متون دینی، بر بایستگی اصلاح تیرگی‌های روابط میان مؤمنان سفارش شده است: (فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلَحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ).

از مخالفت خدا پروا کنید و دشمنی‌هایی که در میان شماست آشتی دهید، و خدا و پیامبرش را پیروی کنید، اگر ایمان دارید. مؤمنان برادر یکدیگرند، بین دو برادر اصلاح و آشتی دهید.

قرآن شناسان و فقها گفته اند، امر به اصلاح، بر دو چیز دلالت دارد:

۱- واجب بودن اصلاح و سازش دادن بین مؤمنان؛

۲- فوری بودن آن.

پیامبر(ص) بر ثواب پانمایی و سازش دادن میان مؤمنان، سفارش کرده، و اجر و مزد مصلحان را همسان جهادگر در راه خدا شمرده است: «فاستتروا فی بیوتکم و اصلحوا ذات بینکم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۸۳/۲۹)

مردم، درون خانه خویش جای گیرید و راه آشتی با یکدیگر را در پیش گیرند.

یکی از موارد مهمی که در روایت تصریح شده که موجب فساد روابط می گردد کینه ورزی و دشمنی است: «وَإِنَّ الْبَغْضَةَ حَالِقَةُ الدِّينِ وَ فساد ذات البین» کینه و دشمنی دین را ریشه کن کرده و پیوند را تباه می سازد. (هلالی، ۱۴۰۵، ۹۲۵/۲).

سؤال این است چگونه امر اصلاح میان مردم تحقق می باید پاسخ این است که رابطه وقتی اصلاح می شود که صاحب رابطه اصلاح بشود پس اینکه فرمود «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» یعنی آنچه که بین شما و دیگران است هر کدام روابط عمومی تان را اصلاح کنید این روابط عمومی هرگز اصلاح نخواهد شد. مگر این که خودتان را اول اصلاح کنید. در ادامه به راهکارهای اساسی که موجب تحقق اصلاح روابط میان می گردد اشاره می شود.

۱. ایمان و باور قلبی به خداوند

ایمان و باوری قلبی نسبت به خداوند مهم ترین عامل و راهکاری قرآنی در حل نزاع و اختلاف میان مردم معرفی شده است. آیات ۲، ۳ و ۴ سوره انفال امتیازات و خصایصی مردانی را که به معنای واقعی کلمه، مؤمن هستند را بیان نموده است، و برای آن اجر بزرگ در نظر گرفته شده است. که در اینجا به ذکر پنج صفت پرداخته می شود، این صفات، صفاتی هستند که داشتن آن مستلزم تمامی صفات نیک و دارا بودن حقیقت ایمان است. آن صفات عبارتند از: ۱- ترسیدن و تکان خوردن دل در هنگام ذکر خدا؛ ۲- زیاد شدن ایمان در اثر استماع آیات خدا؛ ۳- توکل؛ ۴- به یادداشتن نماز؛ ۵- انفاق از آنچه که خداوند روزی داده است. سه صفت اول از اعمال قلب و دو صفت اخیر از اعمال جوارح است و در ذکر آن رعایت ترتیب واقعی و ترمیمی آن شده است، چون نور ایمان به تدریج در دل تابیده می شود، رو به زیادی می گذرد، تا به حد تمام رسیده، و حقیقتش کامل شود. وقتی ایمان انسان به حدی از کمال رسید که پروردگارش را و موقعیت خود را شناخت، و فهمید که تمامی امور به دست خدای سبحان است، و او یگانه خدایی است که تمام موجودات به سوی او باز می گردند، در این موقع برخورد حق و واجب می داند که بر او توکل کرده و تابع اراده او شود، و او را در تمامی مهمات زندگی خون وکیل خود گرفته به آنچه که او در مسیر زندگی اش مقدر می کند رضایت داده، و وقتی ایمان به حدی کاملی در دل مستقر گردید، نگاه انسان به سوی عبودیت معطوف گشته و پروردگار خود را به خلوص و خضوع عبادت می کند. اگر ایمان واقعی در مردم تحقق پیدا کند هیچ گونه نزاع و اختلاف به وجود نخواهد آمد.

۲. اطاعت از خداوند و رسول

یکی از راهکارهای حل اختلاف و نزاع میان مردم تسلیم و اطاعت محض از خدا و رسول تبیین شده است «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

مراد از تقوا در اینجا ادای واجبات مالی و عدم تجاوز به اموال دولتی است که از آن خدا و رسول اوست، و نیز التزام وحدت و مخالفت نورزیدن در امور است زیرا هر گروهی می خواهد سهم بیشتری از اموال دولتی نصیبش گردد، به همین دلیل خداوند به اصلاح روابط اجتماعی فرمان داده است که می فرماید: «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» با یکدیگر به آشتی زندگی کنید. این اصلاح ذات البین زمانی به کمال می رسد که عوامل فساد آن از میان برده شود.

در روایات، پاداش اصلاح و آشتی میان مردم، از یک سال نماز و روزهی مستحبی هم بیشتر ذکر شده است.

امام صادق (علیه السلام) به شاگرد خود مفضل فرمود: اگر میان دو نفر از طرفداران ما نزاعی پیش آمد، از مال من خرج کن و میان آنان آشتی بده. (کافی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۰۹)

در اسلام، تقویت و تحکیم پیوندها و از میان بردن اسباب تفرقه و نفاق به قدری اهمیت دارد که در بعضی مراحل نه تنها اصلاح ذات البین واجب است، بلکه از بیت المال نیز می توان برای آن استفاده کرد. (تفسیر نمونه، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۶۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ
الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۵۹)

آیه اطاعت یا آیه اولی الامر آیه ۵۹ سوره نساء در قرآن است. آیه دستور می دهد که مؤمنان از الله، و همچنین از پیامبر و آنان که صاحب اختیار امور هستند (اولی الامر) اطاعت کنند. منابع شیعی، این آیه را به عنوان یکی از اثبات ها برای معصومیت و امامت علی و دیگر امامان دوازده گانه معرفی می کنند.

نکاتی در مورد آیه

- ۱- مردم باید نظام اسلامی را بپذیرند و از رهبران الهی آن در قول و عمل پشتیبانی کنند. «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»
 - ۲- اسلام مکتبی است که عقاید و سیاستش بهم آمیخته است. اطاعت از رسول و اولی الامر که امری سیاسی است، به ایمان به خدا و قیامت که امری اعتقادی است، آمیخته است. «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر»
 - ۳- اطاعت از حاکمی واجب است که مؤمن و از خود مردم باایمان باشد. «اطیعوا... منکم»
 - ۴- نام اولی الامر در کنار نام خدا و رسول، همراه با اطاعت مطلق، نشان آن است که مسئول حکومت و نظام اسلامی باید از قداست والایی برخوردار باشد. «اطیعوا الرسول و اولی الامر»
 - ۵- نشانه ی ایمان واقعی، مراجعه به خدا و رسول، هنگام تنازع و بالا گرفتن درگیری هاست و اطاعت در شرایط عادی کار مهمی نیست. «فان تنازعتم»
 - ۶- یکی از وظایف حکومت اسلامی ایجاد وحدت و حل تنازعات است. «ان تنازعتم...»
 - ۷- دین کامل باید برای همه ی اختلاف ها، راه حل داشته باشد. «فی شیء فردوه الی الله و الرسول»
 - ۸- پذیرش فرمان از حکومت های غیر الهی و طاغوت، حرام است. «فردوه الی الله و الرسول»
 - ۹- اگر همه ی فرقه ها، قرآن و سنت را مرجع بدانند، اختلاف ها حل شده، وحدت و یکپارچگی حاکم می شود. «فردوه الی الله و الرسول»
 - ۱۰- مخالفان با احکام خدا و رسول و رهبران الهی، باید در ایمان خود شک کنند. «ان کنتم تؤمنون...»
 - ۱۱- برنامه عملی اسلام بر اساس برنامه اعتقادی آن است. «اطیعوا... ان کنتم تؤمنون» به عبارت دیگر ایمان به خدا و قیامت، پشتوانه ی اجرایی احکام اسلام و مایه ی پرهیز از نافرمانی خدا و رسول است.
 - ۱۲- دوراندیشی و رعایت مصالح دراز مدت، میزان ارزش است. «حسن تأویلا» (تفسیر نور، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۴۴).
۳. تقوا و پرهیزگاری
- یکی از مهم ترین عامل حل اختلاف و نزاع میان مردم تقوا و پرهیزگاری عنوان شده است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ».
- در این باره می توان به نکات زیر تأکید نمود:
- ۱- حفظ اموال عمومی، پاکی و پروا لازم دارد. «فَاتَّقُوا اللَّهَ» (زیرا بیت المال و اموال عمومی، می تواند بستری برای سوء استفاده باشد.
 - کسی که قصد اصلاح دارد، باید خودش اهل تقوا باشد. (تفسیر نور، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۶۷). بنابراین باتقوا و پرهیزگاری می توان میان مردم صلح و دوستی ایجاد کرد.
 ۴. شفاف سازی و تبیین حقیقت میان مردم

براساس سیاق آیات کتمان حقایق باعث کینه‌توزی و دشمنی است که یهودیان حقایق و دلایل را کتمان می‌نمودند و باعث اختلاف میان مردم و به ویژه مسلمانان می‌شدند که مورد لعن و نفرین خداوند قرار گرفته‌اند که در ادامه آیات برای حل این اختلاف و کینه‌توزی علاوه بر توبه و اصلاح به تبیین حقایق و شفاف‌سازی آن تصریح شده است بنابراین یکی از راهکارهای اصلاح میان روابط مردم و حل منازعه و اختلاف، شفاف‌سازی و بیان حقیقت است. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ... إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۶۰/بقره).

گرچه روی سخن در این آیه طبق شان نزول، به علمای یهود است، ولی این معنی هرگز مفهوم آیه را که یک حکم کلی و عمومی درباره کتمان کنندگان حق بیان می‌کند محدود نخواهد کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵۴۷/۱)

پس اختلاف‌های دینی و انحراف از جاده صواب، معلول ستمکاری علماء بوده که مطالب کتاب را برای مردم نگفتند و یا اگر گفتند، تاویلش کردند و یا در آن دست انداخته تحریفش نمودند. (طباطبایی، ۱/۱۳۷۴، ۵۸۵) بنابراین کتمان حقیقت در جامعه همواره موجب نزاع و اختلاف بوده است بنابراین براساس سیاق آیه توبه واقعی زمانی تحقق می‌یابد که حقایق میان مردم به ویژه در امور دینی بیان گردد و با شفاف‌سازی حقایق جامعه و روابط مردم به صلح و امنیت مبدل گردد.

۵. وصیت نمودن قبل از مرگ

از مهم‌ترین چیزی که در جوامع مرسوم است عدم وصیت قبل از مرگ است که درحالی‌که در اسلام به وصیت تأکید زیاد شده است، و در جامعه گویا این امر رسوخ پیدا کرده است و کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و عامل اصلی خیلی از نزاع و کشمکش‌های قومی و قبیله‌ای و به ویژه در میان خانواده‌ها گشته است. اما دین مبین اسلام برای این امر مهم راهکار اصلاحی آن را بیان نموده است. اول این که لسان قرآن درباره وصیت لسان وجوب است. «كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۱۸۰) نکته دیگر شفاف‌سازی و تقسیم به حق امور وصیت شده است. شرط تحقق وصیت زمانی است که به امور وصیت شده به درستی عمل گردد اما اگر کسی درصدد تبدیل و انحراف این گونه حقایق شود مرتکب گناه بزرگی گشته است چون این امور بازهم موجب نزاع میان خانواده خواهد شد. «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ، فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ» (بقره/۱۸۱).

۶. گفتمان سازی امور معروف به جای نجوای پنهانی

یکی از چیزهایی که در جامعه مرسوم شده و ممکن است رسوخ پیدا کند و موجب اختلاف و نزاع میان جامعه، مردم و خانواده‌هاست به صورت نجوی و پنهانی حرف زدن و یا به تعبیری سخن‌چینی و نمّامی است و می‌تواند از مصادیق بارز «ذات بینکم» باشد. که در قرآن کریم از این امر به شدت نهی شده است. «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء /۱۱۴).

در بسیاری از گفتگوهای مجرمانه خیری نیست مگر کسی که به صدقه یا نیکی یا اصلاح میان مردم امر کند و کسی که این کارها را به منظور تحصی خشنودی خدا انجام دهد، او را پاداش بزرگ می‌دهیم (بیستونی، ۱۳۹۰، ج: ۶، ص ۶۰). امام صادق علیه‌السلام فرمود: مراد از معروف در آیه، قرض‌الحسنه دادن است (کافی، ۱۳۷۹ ج: ۴، ص ۳۴). امام صادق علیه‌السلام فرمود: ایجاد خوش‌بینی و اصلاح ذات‌البین حتی با دروغ گفتن، عملی پسندیده است (کافی، ۱۳۷۹ ج: ۲، ص ۳۴۱).

نجوا، جز در موارد استثنایی، ناپسند است، چون سبب سوء ظن میان مؤمنان می‌شود. «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ»، اهمیت آبروی مردم، تا حدی است که نجوای ناپسند، به خاطر حفظ آن پسندیده می‌شود و صدقه و امر به معروف مخفیانه، زشتی نجوا را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. (تفسیر نور، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۵۴۹).

۷. اخوت و برداری

بسیاری از رذایل اخلاقی که در جامعه معمولاً مرسوم است و باعث اختلاف و نزاع و میان مردم و خانواده‌ها می‌شود، سوء ظن، تجسس، غیبت، و مسخره کردن و دادن القاب زشت به دیگران می‌باشد که راهکاری قرآنی در این باره برادر دانستن مؤمنان و باور این مسئله است. که در سوره حجرات از آیه ۱۰ به بعد به این امور تصریح شده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (۱۰)

جمله "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ" قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریع می‌کند، و نسبتی را برقرار می‌سازد که قبلاً برقرار نبود، و آن نسبت برادری است که آثاری شرعی، و حقوقی قانونی نیز دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۷۱/۱۸) اگر در جامعه ایمانی همه مردم همدیگر را برادر دینی و معنوی خود بدانند قطعاً بسیاری از رذایل اخلاقی که در سوره حجرات مطرح شده است در جامعه رخت خواهد بست و موجب نزاع میان مردم نخواهد گشت هیچ گروهی از مرد و زن نباید گروه و طایفه دیگر را تمسخر نمایند و یا این که نام و القاب زشت به همدیگر دهند، یکی دیگر از امور که موجب نزاع میان قبایل و میان مردم وجود دارد سوءظن‌ها و گمانه‌زنی‌های بعد نسبت به همدیگر است قرآن کریم می‌فرماید برخی از گمانه‌زنی‌ها گناه محسوب می‌گردد. باید پرهیز نمود. «جَنَّبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات/۱۲) ، تجسس امور و کشف عیوب مردم که دوست دارند پنهان بماند و غیبت کردن از اموری است که موجب اختلاف و نزاع میان مردم می‌گردد. در همه این امور که برخی از آنان از گناهان کبیره محسوب می‌گردد. محل منازعه میان طوایف و قبایل و خانواده گشته و موجب اختلاف شده است. بنابراین در حل این گونه معضلات در جامعه یکی این است مردم در جامعه بدانند که برادر همدیگر هستند و دیگر این که همه از یک پدر و مادر آفریده شده‌اند. «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى». (حجرات/۱۳).

۸. گفتمان سازی عدالت در جامعه

اگر عدالت در جامعه در تمام عرصه‌های فردی، اجتماعی و حتی بین‌المللی تبدیل به یک گفتمان شود، زمینه‌ساز صلح پایدار خواهد شد. قرآن کریم در تمام عرصه زندگی عدالت ورزی و عدالت‌گستری را توصیه می‌نماید برای نمونه یکی از فلسفه بعثت انبیاء ع را بپاداشتن عدل و داد بیان کرده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (احدید/۲۵).

عدل، موازنه و هر چیز را در جای خود نهادن است و رسیدن حق به صاحب آن. از بین بردن تبعیض و آزادی ستم‌دیده در گرفتن حقوق خود، زمینه اصلاح را فراهم می‌کند و در موارد بسیار به عفو و احسان نیز می‌انجامد. بنابراین قرآن کریم دادورزی را از نخستین شرط تحقق اصلاح روابط میان مردم بیان داشته است.

۹. برخورد قاطع با گروه متخاصم

آخرین راه برای اصلاح بین مردم در کشمکش‌های خونین استفاده از قوه قهریه و جهاد است. جنگ به قصد پیشگیری و یا جلوگیری از گسترش جنگ. اگر یکی از دو طرف درگیری، به سازش تن نداد و از مرزهای انسانی و شرعی خود، در گذشت، مصلحان بایستی با او بستیزند و تا مرز تسلیم، تجاوزگر را دنبال کنند .

«وَأِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات/۹)

و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر به جنگ برخاستند، میانشان آشتی برقرار سازید و اگر یک گروه بر دیگری ستم کرد، با ستمکار بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد. پس از بازگشت، بین آن دو گروه صلحی عادلانه برقرار کنید.

بنابراین طبق این آیه شریفه اصلاح روابط میان مردم آن قدر مهم است که دستور به جنگ داده است در صورتی که یکی از گروه مسلمانان متخاصم و ستمگر تشخیص داده شود مؤمنان حق دارند با متخاصم بجنگند تا به دستور الهی برگردد و این کار بایستی ادامه پیدا کند تا گروه متخاصم به جای خود بنشیند و به حق برگردد تا صلح میان آنان تحقق یابد. نکته دیگر این که اصلاح میان آن‌ها باید به عدل باشد یعنی اگر گروهی در حق دیگری ستم روا دارد مؤمنان حق دارند به عدالت رفتار نموده حق را به صاحب حق برسانند.

نتیجه گیری

آنچه که در این پژوهش آمد می‌توان بر نکات زیر به عنوان دست آورد این پژوهش تأکید نمود.

- ۱- اصلاح روابط میان مردم در جامعه اسلامی از امور واجب تلقی شده است و اصلاح گران جامعه اجر عظیم پیش خداوند دارند.
- ۲- در مواردی که مشاجره و نزاع میان مردم در جامعه وجود داشته باشد ، با داشتن ایمان و باور قلبی به خداوند و اطاعات از فرامین رهبر جامعه اسلامی و تقوا و پرهیزگاری می‌توان تمام نزاع و اختلاف مردم را به صلح و آشتی تبدیل نمود.
- ۳- براساس آیات قرآن: کتمان حقایق میان مردم به ویژه در امور دینی، عدم وصیت در هنگام مرگ، برخی از رذایل اخلاقی مثل: تمسخر کردن ، غیبت، گمانه‌زنی بد، سخن‌چینی و نمایی میان مردم، تجسس در امور مردم از مهم‌ترین عوامل نزاع و اختلاف میان مردم بیان شده است که قرآن کریم راهکارهای درخور و شایسته برای این امور بیان نموده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابرنآبادی، علی حسین، شادمان فر، محمدرضا؛ توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۷). اصلاح ذات البین و نظریه عدالت ترمیمی. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۲ (۳)، ۲۲۲-۱۹۳.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، لسان العرب، چاپ: سوم، دار صادر، بیروت.
۳. ابوتمام، حبیب بن اوس (۱۳۷۷ق)، مصحح: مولانا الحافظ محمد اعزاز علی، المكتبة السلفية.
۴. بهبودی، محمدباقر؛ حسینی همدانی، محمد (۱۳۹۲). انوار درخشان در تفسیر قرآن. ج ۴.
۵. بیستونی، محمد (۱۳۹۰). ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن. قم: بیان جوان؛ مشهد: آستان قدس رضوی، جلد ۶.
۶. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۶۴). وسائل الشیعه. ترجمه علی صحت، تهران: آل البيت، جلد ۱۳.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). مفردات فی الغریب القرآن. ترجمه غلامحسین خسروی، تهران: مرتضوی، ج ۲، ص ۴۱۲.
۸. رضوی، سید عباس (۱۳۷۹). اصلاح ذات البین در فرهنگ دینی. فصلنامه علوم سیاسی، ۱۷ (۱۰۲ و ۱۰۱)، ۳۵۶-۳۱۷.
۹. رنجبر، علی (۱۳۹۱). مبانی نظری و روش های اصلاح ذات البین در اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده معارف قرآنی اصفهان.
۱۰. رهبری، عباس؛ اردلانی، مژده (۱۳۹۵). اصلاح ذات البین از دیدگاه قرآن و حدیث. فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۲ (۲)، ۴۰-۳۰.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۴ ه. ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، چاپ اول، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم.
۱۲. صمدی، معصومه؛ رضایی، منیره (۱۳۹۰). بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۹ (۱۲)، ۹۵-۱۱۷.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۷). تفسیر المیزان. ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی؛ تهران: رجاء، ج ۱ و ۲.
۱۴. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ق)، الأمالی (للطوسی)، محقق / مصحح: مؤسسه البعثه، چاپ: اول، دار الثقافه، قم.

۱۵. فاضلی، مهسا (۱۳۸۴). مواجهه قرآن با فرهنگ‌های عصر نزول. پژوهش های قرآنی، ۱۱ (۴۳-۴۲)، ۲۶۳-۲۲۸.
۱۶. فقیهی مقدس، نفیسه؛ خلجی، علی؛ مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۹۳). اصول راهبردی صلح در اسلام. فصلنامه سیاست متعالیه، ۲ (۴)، ۲۶-۷.
۱۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ج ۳ و ۲.
۱۸. قمی، شیخ عباس (۱۳۹۳). سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار. نشر نوید اسلام و کتاب عتیق، جلد ۲.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۵). اصول الکافی، ترجمه صادق حسن زاده، تهران: آل محمد، جلد ۴ و ۲.
۲۰. گلی ملک آبادی، فاطمه؛ خاقانی، محمد؛ شکرانی، رضا (۱۳۹۴). معناشناسی «بین» در قرآن براساس روابط جانشینی و هم نشینی. پژوهش های زبان شناختی قرآن، ۴ (۲)، ۷۶-۵۹.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). اخلاق در قرآن. اصفهان: نشر علی بن ابی طالب (ع)، جلد ۳.
۲۲. هاشمی، سید حسین (۱۳۸۹). رابطه تعلیم و تربیت از منظر قرآن. فصلنامه پژوهش های قرآنی، ۱۶ (۶۱)، ۱۱۳-۷۶.
۲۳. هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ ق) کتاب سلیم بن قیس الهلالی، چاپ: اول، محقق / مصحح: انصاری زنجانی خونینی، محمد، الهادی، قم.
۲۴. هوشیار، رضا (۱۳۷۹). نشانه ای از اعجاز علمی قرآن. پژوهش های قرآنی، ۶ (۲۴-۲۳)، ۲۳۷-۲۱۸.